

زنده باد اقتباس

بررسی اقتباس های ادبی در سینمای ایران و جهان

محمد سلگی



این نوشتار ، ترکیبی است از یادداشت های « زنده باد اقتباس ۱ » و « زنده باد اقتباس ۲ » که به ترتیب در بهمن ۱۳۹۵ و اردیبهشت ۱۳۹۶ در

سایت سلام سینما (www.salamcinama.ir)

و

وبلاگ mohammadsolgife.blogfa.com

منتشر گردید.

به نام خدای، سرآفرین

پرده نخست:

اقتباس در سینمای غرب

بخش چشمگیری از پرمایگی و موفقیت صنعت و هنر سینما وامدار ادبیات است. لحظه ای تصور کنید که اگر سینما راه خود را از ادبیات جدا می کرد ، ما از تماشای چه آثار شکوهمند و خاطره انگیزی بی نصیب می ماندیم !

یکی از مهم ترین جلوه های تاثیرگذاری ادبیات در سینما ، بهره گیری فیلم ها از داستان های منظوم و مثنوی و رمان های نویسندگان مختلف است که به آن « اقتباس سینمایی» می گویند. سینمای غرب تا اندازه ای به این موضوع اهمیت داده که در رشته های مختلف جشنواره ی اسکار ، بخش جداگانه ای به نام :

« جایزه ی بهترین فیلمنامه ی اقتباسی » (Adapted screenplay)

قرار داده که نویسندگان و کارگردانانی نامدار به این جایزه دست یافته اند.

می توان گفت تقریباً هیچ رمان مشهور و جریان سازی نیست که بر پایه ی آن ، فیلمی نساخته باشند. در این نوشتار به بررسی تعدادی از مهم ترین و معروف ترین اقتباس های سینمایی می پردازیم :

* پدرخوانده (The Godfather)

در همه نظرسنجی ها و انتخاب ها ، فیلم فراموش نشدنی فرانسیس فورد کاپولا در بین فیلم های برتر تاریخ سینما قرار می گیرد. انتشار رمان پدرخوانده اثر ماریو پوزو در سال ۱۹۶۹ باعث ساختن شاهکار سینمایی پدرخوانده در سال ۱۹۷۲ شد. فیلمنامه شخصیت پرداز و پرافت و خیز کاپولا و پوزو ، موسیقی خاص نینو روتا ، کارگردانی حرفه ای کاپولا ، پدرخواندگی پرشکوه مارلون براندو و نگاه های رستاخیزی آل پاچینو... آن چه خوبان همه دارند، تو یک جا داری.



* رستگاری در شاوشنک (The Shawshank Redemption)

مسیر سبز (The Green Mile)

دو اثر از استیفن کینگ ، دو فیلم ماندگار از فرانک دارابونت. اولی در رابطه با فرار یک شخصیت از زندان و دومی در نفوذ به ژرفای ایمان. محال است این دو فیلم را ببینید و یک عمر به آن ها فکر نکنید.

* درخشش (The Shining) *

یک رمان دیگر از استیفن کینگ و یکی از دلهره آورترین آثار سینما با کارگردانی استثنایی استنلی کوبریک. هنرنمایی درخشان جک نیکلسون در نقش یک نویسنده ی روان پریش.

* بن هور (Ben Hur) *

هنوز هم بن هوری که سال ۱۹۵۹ ساخته شده ، دیدنی است. داستان جودا بن هور و زنده ماندنش در ناهمواری های زندگی پرفراز و نشیب برای ستاندن انتقام و رسیدن به رستگاری. رمانی از لو والاس و ساخته ویلیام وایلر. فیلمی که ۱۱ جایزه ی اسکار را تصاحب کرد. چشم هایتان را ببندید و صحنه های ارابه رانی را به خاطر بیاورید.



* پرواز بر فراز آشیانه فاخته (One Flew Over The Cuckoo's Nest)

همان « دیوانه از قفس پرید » بر پایه ی رمانی از کن کیسی. جک نیکلسون دیوانه می کند بیننده را با نقش آفرینی بی نقصش.

* سکوت بره ها (The Silence Of The Lambs)

بر پایه ی رمان توماس هریس. فضا سازی عجیب و غریب و پر تب و تاب فیلم هر بیننده ای را مسحور تماشای اثر می کند. آنتونی هاپکینز هم که فقط باید تماشایش کرد و لذت برد.



* رقصنده با گرگ ها (Dances With Wolves)

بر اساس رمان مایکل بلیک. فیلمی در ستایش انسانیت و استحاله در عاطفه و پاکی. فیلمی برای جنگیدن با نژادپرستی و ظاهر بینی.

* فهرست شیندلر (The Shindler's List) *

استیون اسپیلبرگ با فیلمی سیاه و سپید ، تسخیرکننده ی مشتاقان سینما شد. نگاهی واقع گرایانه و البته تلخ به وقایع جنگ جهانی و ستمگری و ددمنشی نازی ها (سکانسی را که افسر نازی برای تفریح و هدف گیری آدم می کشد ، به خاطر بیاورید) . زندگی اسکار شیندلر، یکی از منجیان قوم یهود ، به تصویر کشیده می شود. موسیقی اثر بی نظیر است. این فیلم بر اساس کتاب توماس کنیلی ساخته شد.

* فارست گامپ (Forrest Gump) *

چه رستاخیزی برپا میکند تام هنکس با فارست گامپ ! فیلمی تاثیرگذار در پیچ و خم زندگی قهرمانش که مدت ها در ذهن و جان مخاطب می ماند. با فروش خیره کننده ی ۶۷۷ میلیون دلار. ساخته شده بر اساس رمانی از وینسنت گروم.

* بربادرفته (Gone with The Wind) *

سال ۱۹۳۹ یکی از درخشان ترین عاشقانه های تاریخ سینما ، به برکت رمان مارگارت میچل ، نمایش داده شد. فیلمی در ۲۳۸ دقیقه (۳ ساعت و ۵۰ دقیقه) ساخته ویکتور فلمینگ و بازی جذاب کلارک گیبل. البته دوبله ی بسیار زیبای این فیلم در تاریخ دوبله ایران هم زبانزد است ؛ بخصوص صدای حسین عرفانی برای کلارک گیبل و رفعت هاشم پور برای ویوین لی.

* محرمانه لس آنجلس (L.A. Confidential)

یک پلیسی ناب ، سراسر تعلیق و پر هیجان. صحنه به صحنه مخاطب غافلگیر می شود. رمان محرمانه لس آنجلس نوشته ی جیمز روی است.



* کشتن مرغ مقلد (To Kill a Mockingbird)

رمانی به همین نام از هارپر لی. ساخته رابرت مالیگن و بازی گریگوری پک که جایزه اسکار بهترین بازیگری را برایش در پی داشته.

* جنگ و صلح (War and Peace) *

روسیه ، سرزمین رمان های ماندگار. سال ۱۹۵۶ فیلمی از روی رمان پرآوازه و سترگ تولستوی بزرگ ساخته شد که هرگز به شهرت کتاب نرسید. باید از نقش آفرینی آدری هپبورن در نقش ناتاشا هم یاد کرد.

«آناکارنینا» ی تولستوی هم تولید چند اثر سینمایی را به همراه داشته.

* بینوایان (Les Miserables) *

اقتباس های ادبی ، نمایش های رادیویی و تلویزیونی و انیمیشن هایی که با الهام از شاهکار ویکتور هوگو ساخته شده ، به کنار. ۱۲ فیلم سینمایی به همین نام در ویکی پدیا ثبت شده. رمانی اجتماعی و تاریخی که «ژان والژان» و «بازرس ژاور»ش ، از قهرمان ها و ضد قهرمان های جاودانه ادبیات شده اند.

دیگر اثر هوگو ، «گوژپشت نتردام» هم سبب ساخت چند فیلم مختلف شده.

* شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی *

در حالی که سینمای ایران در این زمینه چپته ای خالی دارد ، کارگردانی از سینمای شوروی به نام بوریس کیمیاگرف چهار فیلم بر پایه داستان های شاهنامه ساخته : پرچم کاوه آهنگر (۱۹۶۱) ، داستان رستم (۱۹۷۱) ، رستم و سهراب (۱۹۷۱) و داستان سیاوش (۱۹۷۶).

* آثار شکسپیر

هر کدام به تعداد فراوان تبدیل به فیلم شده اند : هملت ، اتللو ، مکبث - یکی از مهم ترینشان ساخته رومن پولانسکی در ۱۹۷۹ - ، رومئو و ژولیت ، شاه لیر ، رام کردن زن سرکش و ...

* آثار ارنست همینگ وی

وداع با اسلحه ، برف های کلیمانجارو و پیرمرد و دریا.

* آثار داستایوسکی

جنایات و مکافات و برادران کارامازوف.

* آثار جین آستین

غرور و تعصب و عقل و احساس.

* آثار خواهران برونته

فیلم هایی در سال های ۱۹۳۴ ، ۱۹۴۳ ، ۱۹۵۶ ، ۱۹۷۰ ، ۱۹۹۶ ، ۱۹۹۷ و ۲۰۱۱ با نام «جین ایر» ساخته شده که عنوان رمانی است از شارلوت برونته.

خواهر شارلوت ، امیلی برونته تنها یک کتاب با نام «بلندی های بادگیر» دارد که همین یک اثر ، وی را در تاریخ ادبیات جهان ماندگار کرده. هم چنین در سال های ۱۹۲۰ ، ۱۹۵۳ ، ۱۹۵۴ ، ۱۹۷۰ ، ۱۹۸۸ ، ۱۹۹۸ و ۲۰۱۱ از این رمان ، اقتباس های سینمایی شده.

و باید نام برد از آثار گوناگون جنایی و معمایی آگاتا کریستی ، آثارتخیلی ژول ورن، سپید دندان و آوای وحش از جک لندن ، خوشه های خشم اشتاین بک و فیلم جان فورد ، دن آرام اثر میخائیل شولوخوف و فیلم گراسیموف ، دکتر ژواگو نوشته ی بوریس پاسترناک و ساخته ی دیوید لین و ربه کا اثر دافنه دوموریه و فیلم آلفرد هیچکاک بزرگ.

پرده دوم :

اقتباس در سینمای ایران

رمان (novel) قالبی است در ادبیات که شکل علمی و مدون آن از غرب - حدود قرن ۱۸م - آغاز شد و به کشورهای دیگر رسید. در سال‌های جنبش مشروطیت و آگاهی‌های برخاسته از آن ، نخستین رمان‌های ایرانی نوشته شد ؛ رمان‌هایی مثل : شمس و طغرا از محمدباقر میرزا خسروی ، سیاحت نامه ابراهیم بیگ از حاجی زین العابدین مراغه‌ای ، عشق و سلطنت از شیخ موسی کبودرآهنگی ، تهران مخوف از مشفق کاظمی و شهرناز از یحیی دولت‌آبادی.

در دوران معاصر هم نویسندگانی نام‌آور همچون : صادق هدایت ، محمود دولت‌آبادی ، علی محمد افغانی ، ایرج پزشکزاد و بزرگ علوی ، موجب رواج و تثبیت این قالب نوپا در ادبیات ایران شدند.

پس از اقتباس‌های متعدد بزرگان سینمای جهان از رمان‌های مختلف و با انتشار فراگیر رمان‌های معروف پارسی ، سینماگران ایرانی هم به سوی اقتباس روی آوردند و آثار گوناگونی آفریدند ؛ چند نمونه از این آثار :

- گاو (۱۳۴۸) داریوش مهرجویی

یکی از نخستین و بهترین آثار اقتباسی سینمای ایران. از داستان چهارم کتاب « عزاداران بیل » نوشته‌ی دکتر غلامحسین ساعدی. با نام بردن از این فیلم موفق ، ناخواسته به یاد بازی تکرارناپذیر استاد عزت‌الله انتظامی در نقش مش‌حسن می‌افتیم.



- داش آکل (۱۳۵۰) مسعود کیمیایی

داستان کوتاه « داش آکل » از مجموعه ی « سه قطره خون » صادق هدایت. این داستان را باید بارها خواند و مسحور روایت و قلم سحرانگیز آن شد. بدون شک « داش آکل » یکی از بهترین داستان های کوتاه ادبیات ایران است.

برای اینکه داش آکل بر پرده سینما بیاید و همانند داستانش از مخاطب دلبری کند ، هیچ کسی بهتر از مسعود کیمیایی به ذهن نمی آید ؛ کیمیایی که در نوع فکر و سبک نوشتارش شباهت هایی هم به هدایت دارد. کار ارزنده ای که کیمیایی در نوشتن و ساختن داش آکل کرد ، این بود که به اصل داستان هدایت پایبند ماند ؛ ولی خرده داستان ها و دیالوگ هایی به آن افزود که کاملا در راستای داستان بود و از قصه بیرون نمیزد. دیالوگ هایی مثل : مرد وقتی مرده که آزاد باشه یا آدم هر چی داره از پر قنداق داره.

طبیعی است که کیمیایی پس از خلق قهرمانی چون قیصر ، بتواند از پس شخصیت پردازی داش آکل برآید. پس نتیجه اش میشود یکی دیگر از ماندگارترین و درخشان ترین بازی های بهروز وثوقی در فیلمی دیگر از مسعود کیمیایی.

از همین داستان داش آکل هدایت ، در فیلم « چشم هایش » ساخته فرامرز قریبیان ، یک اقتباس دور (الهام گیری) داشتیم که برآیندی تحسین برانگیز در پی داشته. هرچند که این فیلم در سینمای ما مهجور مانده ؛ ولی تماشایش و نگاه دوباره اش را به همه سینمادوستان پیشنهاد میکنم.

- تنگسیر (۱۳۵۲) امیر نادری

بر پایه رمان « تنگسیر » به قلم صادق چوبک. امیر نادری به متن رمان پایبند است و به مانند کیمیایی ، ساختن قهرمان قصه اش را به بهروز وثوقی در نقش زائر محمد واگذار میکند. او هم بار دیگر هنرش را به رخ می کشد و هنرنمایی دیگری می افزاید به کارنامه پربارش.

- شازده احتجاب (۱۳۵۳) بهمن فرمان آرا

بر اساس رمان مدرن « شازده احتجاب » اثر هوشنگ گلشیری. فرمان آرا هم مانند امیر نادری کاملاً به متن وفادار است و با حذف بعضی رخدادهای و دیالوگ های کتاب ، متن رمان را به تصویر می کشد.

- بوف کور (۱۳۵۴) ، کیومرث درم بخش

ناگفته پیداست که از روی رمان نامدار و بین المللی صادق هدایت ساخته شده. تفسیر و تحلیل رمان « بوف کور » کاری بس شگرف و دشوار است ؛ چه رسد به سینمایی کردن آن ! به همین خاطر ، فیلم درم بخش فقط به روایت خط به خط نوشته هدایت پرداخته و اثری کم عمق و سطحی آفریده شده.

داریوش مهرجویی برای فیلم «هامون» از بوف کور تاثیر پذیرفته و توانسته یکی از برترین قهرمان های سینمای ایران - حمید هامون با نقش آفرینی جاودانه شادروان شکیبایی - را بیافریند.

- ناخدا خورشید (۱۳۶۵) ناصر تقوایی

همان طور که در تیتراژ فیلم می بینیم ، اثر معروف ناصر تقوایی ، برداشتی است آزاد از رمان « داشتن و نداشتن » ارنست همینگ وی. تقوایی ، رمان بی نظیر ایرج پزشکزاد را هم به سریال نامدار « دایی جان ناپلئون » تبدیل کرده.

- گرداب (۱۳۸۳) حسن هدایت

این بار هم مجموعه داستان « سه قطره خون » صادق هدایت و داستانی به نام گرداب. حسن هدایت متن داستان را به فیلم تبدیل کرده ؛ اما فیلمی ناموفق و خسته کننده که بر خلاف داستانش ، پس از یک بار دیدن به فراموشی سپرده می شود.

– پدر آن دیگری (۱۳۹۴) ، یدالله صمدی

بر پایه رمان « پدر آن دیگری » اثر پرینوش صنیعی. فیلمی ساده ، جمع و جور و کم ادعا ؛ اما سربلند و تاثیرگذار. با هنرمندی چشمگیر هنگامه قاضیانی.

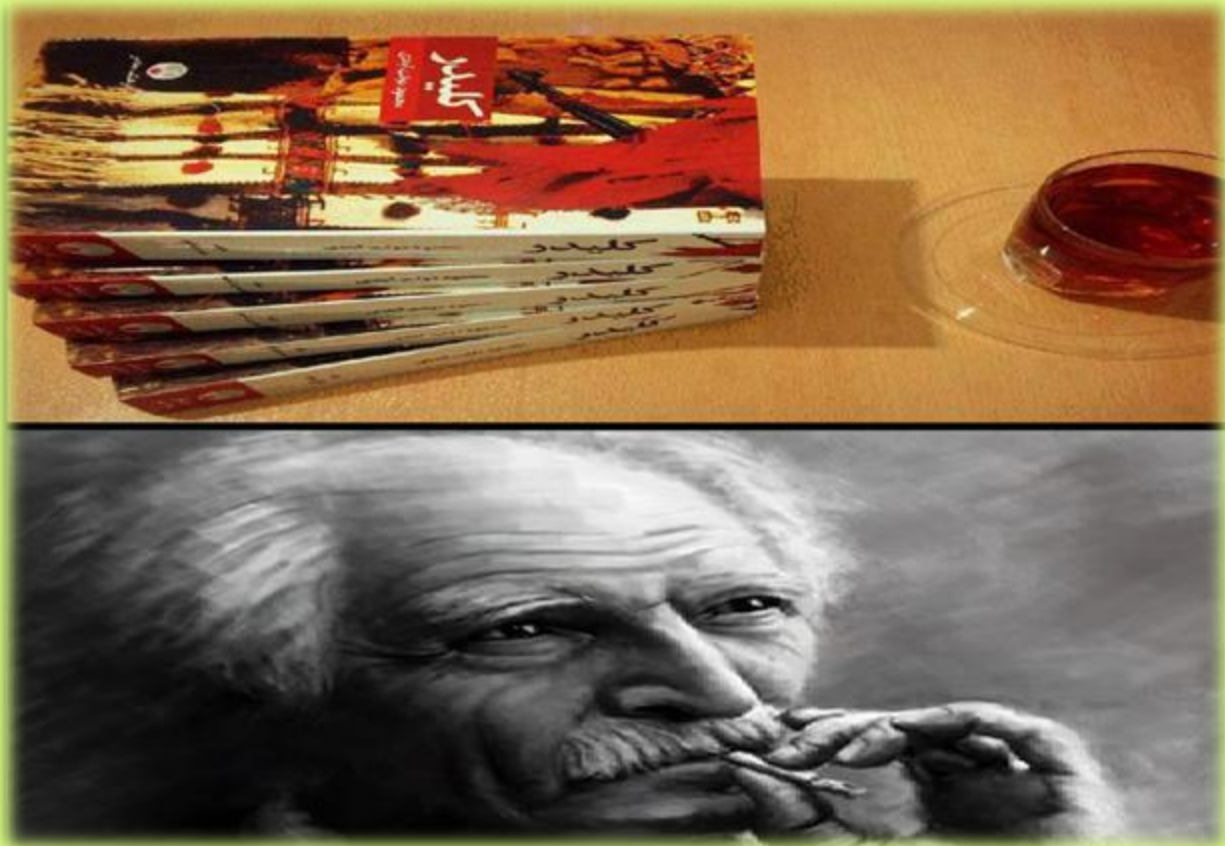
و چند نمونه دیگر ...

حالا این پرسش پیش می آید که آیا سهم سینمای ما از اقتباس باید همین اندازه باشد؟! در روزگاری که همه از کمبود داستان و سناریوی ارزشمند و قصه گو می نالند ، چرا دست بدامان ادبیات خودمان نشویم؟! ادبیاتی که هیچ کس از درگاهش دست تهی باز نمیگردد و هرکس به فراخور ظرفیتش ، خوشه چینی و توشه اندوزی میکند.

آثار کلاسیک نظم و نثر ما به کنار ؛ – درباره این این آثار به مطلب ((چنته خالی سینمای ما)) مراجعه فرمایید – چنین رمان هایی را دریابیم :

– **کلیدر** : جای یک سریال عظیم یا سینمایی چند قسمتی از کتاب سترگ محمود دولت آبادی بزرگ ، واقعا خالی است. همایون باد بخت بازیگری که بتواند به گل محمد جان بخشد و مصورش کند. (شاید حمید فرخ نژاد عزیز بهترین گزینه باشد)

و هم چنین دیگر اثر دولت آبادی : جای خالی سلوچ.



- **سوشون** : خلق شده به دستان توانمند سیمین دانشور. حتما یوسف و زری در عالم سینما ،
زوجی ماندگار خواهند شد.

- **چشم هایش** : بزرگ علوی. داستان استاد ماکان و فرنگیس ، کششی سینمایی و قصه آفرین
دارد.

- شوهر آهوخانم : نوشته علی محمد افغانی. سر پر سودای سید میران و کشمکش های آهو و
هما را میتوان هنرمندانه به تصویر کشید تا برای مخاطب جذاب باشد.

فراموش نکنیم برای جان تازه بخشیدن به سینما یا تلویزیون ، یک راه ثابت شده و قطعی وجود
دارد و آن روی آوردن به گلستان پرنقش و نگار ادبیات و گونه ی اقتباس است ؛ چه زیبا فرموده
وحشی بافقی :

اقتباس نور اگر از پرتو رایت کند

تا ابد منفک نگردد روشنایی از شرار

محمد سلگی

Mohammadsolgi1377@chmail.ir